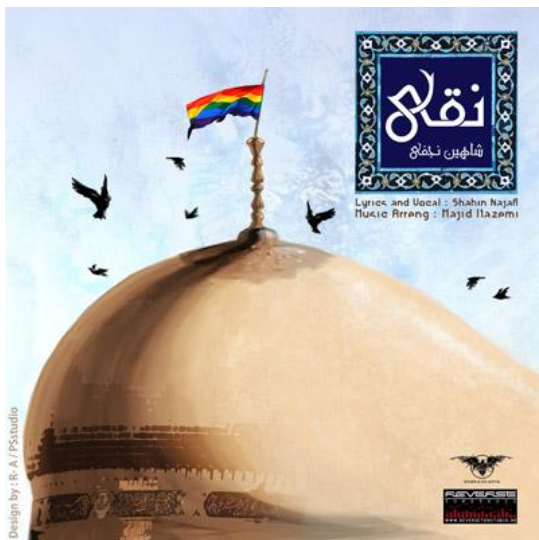


# نگاهی به شاهین نجفی و نقی - رسانه‌ها و جمهوری اسلامی

کامران پرنده

یادداشت یک مرتد



روز چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت (۹ ماه مه)، سررتیر رسانه‌های فارسی‌زبان، از صدور فتوای حکم ارتداد توهین‌کنندگان به ساحت مقدس امام نقی توسط آیت‌الله صافی گلپایگانی خیر دادند. به‌فاصله چندروز از این خبر، شاهین نجفی با ترانه‌ی نقی مشمول این حکم شد. آیت‌الله مکارم‌شیرازی دیگر مرجع تقلید شیعه، به‌طور مشخص-تری این حکم و اعتبار جاری شدن آن را تأیید کرد. پایگاه خبری شیعه‌آنلاین نیز برای کشتن «شاهین نجفی» و اجرای فتوا، مبلغ ۱۰۰ هزار دلار جایزه تعیین کرده است و در پس این موج، شاهین نجفی خواننده‌ی ترانه‌ی نقی، توسط پلیس کشور محل اقامت‌اش -آلمان- تحت مراقبت‌های امنیتی قرار گرفت. با توجه به واکنش‌های متناقض رسانه‌ای، مصاحبه‌های خود شاهین، اظهارنظرهای چهره‌های هنرمند و سیاسی-اجتماعی در این باره، «یادداشت یک مرتد» را بخوانید. مرتد در انتهای یادداشت، لینک‌هایی که از آن‌ها نقل قول‌هایی را آورده، ضمیمه می‌کند.

فتوای ارتداد و بازی جمهوری اسلامی

در شرایطی که رژیم اسلامی یکی از بدترین و آشفته‌ترین دوران سیاسی خود را در عرصه‌ی داخلی و خارجی تجربه می‌کند، شرایط صدور این فتوا را به‌دقت باید بررسی کرد. به حاشیه‌های زیادی در خروجی‌های فیس‌بوکی و وبلاگ‌های مختلف دامن زده شده و این فتوا را با فتوای قتل سلمان رشدی یکی دانسته و مقایسه‌های عجیب و غریبی که شرایط مشخص نظام اسلامی را از قلم انداخته‌اند. واقعیت این است که رژیم‌های ارتجاعی و دیکتاتوری مانند جمهوری اسلامی که در نوک هرم حاکمیت‌شان نیز چندپاره-گی رُخ داده از هر صدایی و حتی از صدای خش‌خش هر برگی وحشت دارند و حساسیت‌شان به تحریکات اجتماعی فقط به سرکوب و حبس و شکنجه و اعدام پا می‌دهد. رژیمی که در بُعد بین‌المللی و داخلی مشروعیت سیاسی و مذهبی‌اش را از دست داده، در راس حاکمیت‌اش نیز دیگر ایدئولوژی مذهبی همانند دهه‌ی ۶۰ نمی‌تواند به یک‌دست شدن‌اش یاری رساند. مذهب و سمبل‌های دینی به مضحکه‌ای در بین جوانان و حتی برخی طرفداران قدیمی‌اش بدل شده است و جای‌گاه قبلی خود را در اجتماع و به‌خصوص در میان نسل جوان امروز از دست داده است. واژه‌هایی که جوانان برای تمسخر و دست‌انداختن هم به‌کار می‌برند، جوک‌های مذهبی با شخصیت پیامبر و امامان و در این اواخر هم صفت «نقی» در بین جوانان به عنوان نقش اضافی و زورکی یک فرد در یک جمع همگی نمونه‌هایی از روی‌گردانی این نسل از مذهب، بخشی از مخالفت آن‌ها با روابط و قوانین مذهبی رایج در جامعه و حاکمیت است. صدور فتوای ارتداد و قتل شاهین را توسط روحانیون حکومتی شیعه باید از این دریچه نگرید و توجه کرد که این فتوا، در واقع زهر چشم گرفتن و خط و نشان کشیدن برای نسلی است که از مذهب روی‌گردان و ضداسلام سیاسی است و مضحکه روحانیون و ائمه‌ی دین برای‌شان بخشاً ابزار مقاومت اجتماعی است. سکوت تاکتونی جناح مقابل -باند احمدی‌نژاد- هم بی‌دلیل نیست زیرا چندان هم بدشان نیامده که وجهت روحانیون در قدرت زیر سؤال برود و برای خودشان مشروعیتی دیگری فراهم کنند. هر چند نباید به موضع تاکتونی آن‌ها دل‌خوش کرد. به‌بیانی دیگر، این فتوا را باید از یک سو در چارچوب دعوی بزرگتر میان مردم و حکومت ارزیابی کرد که برای ارباب نسل عاصی و آماده‌ی انفجار صادر شده و شاهین نماینده‌ای از این نسل است و از سوی دیگر تلاش برای علم کردن ستون مقدس اسلام که نیروهای مختلف درون هیات حاکمه را به خط کند. بنابراین باید با تمام قوا با این سیاست و رشکسته مبارزه کرد. دفاع از شاهین نجفی، در واقع دفاع از خودمان و دفاع از حق مخالفت‌مان با ارتجاعی‌ترین روش‌های سلطه و سرکوب است. دفاع از شاهین نجفی، به مبارزه با رژیمی گره خورده که روبنای سیاسی‌اش آلوده به عقب‌مانده‌ترین حربه‌ها و قوانین است و بیش از سی‌سال آن‌ها را به اجرا گذاشته است. دفاع از شاهین نجفی، تقویت اعتراضات مردمی در سطوح مختلف است.

در دنیای رسانه‌ها چه خبر؟

اظهارات گوناگونی از سوی چهره‌های هنری، حقوقی، اجتماعی و سیاسی با نظرها‌های مختلف صورت گرفته است. هم شاهین نجفی، هم متن ترانه‌ی نقی، هم صافی گلپایگانی، هم مخالفین و موافقین ترانه و ... مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در فیس-بوک و خروجی‌های دیگر، کمپین‌های حمایتی گوناگونی را از سوی فعالین شاهد هستیم. اظهارات ضد و نقیض برخی از این فعالین و کمپین‌هایشان بیش از آنکه روشن‌گری کند، فضا را مخدوش کرده است. به چند نمونه‌ی مهم و عمده باید اشاره‌ای گذرا داشته باشیم؛

دسته‌ی اول بخش وسیعی از فعالین چپ، حقوق بشری و ضد اعدام و میلیون‌ها انسانی هستند که برخوردی مشخص کردند: عده‌ای شاهین را بی‌گناه دانسته و آزادی بیان را در هر شرایطی مقدم دانستند. برخی دیگر دفاعشان از شاهین بیشتر دل‌سوزی بود و این‌که "حرفی نزده، این خصلت ترانه‌های رپ است، ترانه اعتراضی بود و ..."، برخی دیگر به‌درستی این فتوا را با جنایات دوران سی و اندی ساله‌ی جمهوری اسلامی یکی کرده و خواهان حمایت از شاهین نجفی شدند. بیانیه‌های احزاب و سازمان‌ها نیز جنبه‌ی حمایت از شاهین را با مبارزه با جمهوری اسلامی به‌درستی پیوند زدند.

دسته‌ی دوم سبزه‌ها و ملی‌مذهبی‌ها با پشتوانه‌ی رسانه‌ای قدرت‌های بزرگ هستند. در مجموع باید برخورد سبزه‌ها و ملی‌مذهبی‌ها را بزدلانه و حقیر و عوام‌فریبانه ارزیابی کرد. سبزه‌ها که علاوه بر فضاهای اجتماعی عمومی دسترسی کافی به ابررسانه‌ها نیز دارند موضع خود در دفاع از شاهین نجفی را به بندهای ایدئولوژیک خود گره زدند. روشن‌فکران و نظریه‌پردازان آن‌ها وارد حوزه‌ی اخلاق و نفس حکم اعدام و فتوا شدند. سبزه‌ها ضمن درنوردیدن مرزهای فتوا و اعدام در جمهوری اسلامی و رژیم‌های دیکتاتوری، به سیاق دو سال قبل خود، مخالفت با بخشی از روحانیون در قدرت را عمده کرده و به مخاطبین خود توصیه می‌کنند که حوزه‌ی اخلاق عمومی را محترم شمرده و باورهای مذهبی نباید مورد توهین قرار گیرند. مساله این‌ست که توهین چیست و آیا نُرْم اجتماعی ترانه توهین محسوب می‌شود یا نه و ... یعنی اگر حوزه‌ی اخلاقیات جامعه را زیر سؤال برده خطا کرده ولی فتوای ارتداد جایز نیست! برخی چهره‌های سیاسی سبز مانند مجتبی واحدی رویکرد روشن‌تری در قبال شاهین نجفی و مخاطبان ترانه‌ی نقی داشتند. وی در نوشته‌ای «تلاش مشکوک برخی رسانه‌های حکومتی و همراهی سنوال برانگیز بخشی از اپوزیسیون برای مرتبط کردن یک فتوا از آیت‌الله صافی گلپایگانی با این موضوع موجب تبلیغات وسیع پیرامون تهدید غیرواقعی علیه جان خواننده ترانه شد!» واحدی در مصاحبه‌ای تصویری با برنامه‌ی «روی خط» صدای آمریکا، با تاکید بر مسلمان و شیعه بودن خود، موضع بزدلانه‌ی سبزه‌ها را به مسائل مشخصی مثل عُرف جامعه وصل می‌کند. واحدی به شدت از واکنش مردم و رسانه‌های عمومی برآشفته بود و به صراحت اعلام کرد که این کار شاهین نجفی تابوشکنی نیست و طرفداران ترانه‌ی نقی موضوع را بزرگ کرده‌اند و او به کار این افراد اعتراض دارد! از نظر وی فعالین سیاسی و هزاران انسان دیگر که به این فتوا و جمهوری اسلامی واکنش داده‌اند شعور ندارند و جوگیر شده‌اند. واحدی واقعاً تصور می‌کند هنوز حنای دوسال پیش‌شان رنگ دارد که به مردم بگویند ساکت، و مردم سکوت کنند! واحدی کماکان دنبال فرصتی است تا ارادت و پای‌بندی خود به نظام انس و الفت اسلامی را نشان دهد. واحدی در دفاع از شاهین نجفی تلاش می‌کرد وی را منحرف و خاطی معرفی کند و از دین پاک‌ی و راستی اسلام برای بخشش شاهین مایه بگذارد. وی فتوای گلپایگانی را با توجه به تاریخ صدور و محتوای آن نامربوط به شاهین دانست و تایید فتوا توسط آیت‌الله مکارم شیرازی را نیز تاسف‌آور خواند زیرا مکارم شیرازی به صراحت اعلام کرده است که توهین به نام ائمه و حتی به "گن‌بید" امام هشتم نیز موجب ارتداد و اجرای حکم است. البته واحدی با تخصصی مثال‌زدنی به معیار و چشمه‌ی زلال حقیقت سبزه‌ها - امام راحل - اشاره کرده و در مخالفت با فتوای اخیر درباره‌ی شاهین نجفی، تفسیر خود را این-گونه شرح می‌دهد: "با مشورت‌هایی که با روحانیون زیادی کرده‌ام ... چون همین‌قدر که شاهین اشاره کرده که قصد اهانت نداشته، فتوای قتل باطل است!" یعنی اگر کسی از حق انتقاد یا توهین خود به هر عقیده و مذهب یا خرافه‌ای نگذرد، فتوای قتل شامل اش خواهد شد.

واحدی در بخش سیاسی تحلیل خود به وجود خرافه در جامعه اعتراف کرد و این‌که در دوران جمهوری اسلامی افزایش یافته است اما توصیه‌ی وی این بود که "ما اگر هرکاری بکنیم که به نفع حاکمیت تمام شود، حتی اگر به قصد مبارزه با خرافه باشد، غلط است!!!" می‌بینیم که سخن‌گویان سبز کماکان برای نسوختن سیخ و کباب و زیر ضرب نرفتن نظام الفت اسلامی موضع می‌گیرند و دل‌شان می‌لرزد که مبدا از یکسو فرصت را از کف دهند و از سوی دیگر موضعی بگیرند و برانداز و مخالف نظام جمهوری اسلامی قلم‌داد شوند! واحدی در برخورد به صحبت‌های شاهرخ مشکین‌قلم در انتقاد از سیاست‌های حمایت از خرافات دست‌اندرکاران رژیم از سی‌سال پیش تا امروز و ترور فریدون فرخ‌زاد، برخوردی آشفته و عصبی کرد و او را متهم به عدم شناخت و درک از هنر معرفی کرد!

در مجموع مواضع صدای آمریکا میانه‌داری بود و موضع بی‌بی‌سی و رادیو فرانسه بیشتر تاکید بر فتوا و دفاع از شاهین برای بزرگ کردن وجه دیگر یعنی صدور فتوا. رسانه‌های دیگر اروپایی نیز -به‌ویژه آلمان- بساط حمایت امنیتی از شاهین را برجسته کردند ولی حتی از یادآوری ترورهای جمهوری اسلامی در خود آلمان خودداری کردند. رسانه‌های اینترنتی فارسی‌زبان، عمدتاً

حق آزادی بیان را برجسته کرده و برخی جریان‌های سیاسی نیز جنایات رژیم را افشاکاری کردند که ترور فریدون فرخزاد در سال‌های دور بحثی رایج در میان مباحث بود.

از زاویه هنری و بررسی خود اثر نقی و از زاویه سبک اجرایی آن، بحث زیادی درنگرفته ولی در یکی از مصاحبه‌ها که در برنامه‌ی زمینه‌ها و زمانه‌های رادیو فرانسه انجام شده بود، نکات جالبی از سوی مهدی آوردن بیان شد. وی درباره‌ی موسیقی رپ اشاره دارد که "این سبک از معیارهای ادبی و به‌ویژه نقد ادبی گریزان است و این تناقضی است که بخواهیم آن را با معیار ادبی مقایسه کنیم". کاری که تا امروز در اکثر بررسی‌های هنری ترانه‌ی نقی انجام شده است. آوردن در تحلیل کلی ترانه‌ی نقی، آن را در قیاس با کارهای قبلی شاهین خالی از ظرافت‌های رپ و اِلمان‌های طنز برآورد می‌کند و معتقد است که خواننده علی-رغم شاخ و شانه کشیدن در برابر هنجارها، به یک جور دست و پا بسته‌گی بزرگ هم دچار است که او را وامی‌دارد که بگوید "همه آماده تو کفیم!" یعنی برعکس این‌که ترانه‌ی رپ، ترانه‌ی اعتراض است و به نظر می‌رسد که این ترانه هم، اعتراضی است، در درون‌مایه و بطن و پشت این تصویر اعتراضی، یک جور انفعال و احساس شکست را می‌بینیم که به فضای منفعل‌تر جامعه گره خورده است و حتی به این منجر شده که نوعی تبلیغ ایده‌ی انتظار در کلام شاهین برجسته شود!

### شاهین و ارتداد

ترانه‌ی نقی، یک اثر هنری منفی نیست و شاهین در این ترانه هم، مانند کارهای قبلی‌اش، و رای تعریف خودش از آن، قصد بازنمایی واقعیات جاری جامعه را داشته است. البته همانند هر اثر هنری، اثرات اجتماعی آن می‌تواند از اراده‌ی خالق آن مستقل باشد. ترانه‌ی نقی شاهین هم این‌گونه بود. مانند بسیاری ترانه‌های دیگرش. شاهرخ مشکین‌قلم هنرمند رقصنده و محبوبی است که به انعکاس زوایای اجتماعی دیگری از اجرای این اثر شاهین اشاره‌ی دقیقی دارد که فارق از قصد شاهین، باب جدل بر سر برخی موضوعات اجتماعی را باز کرده است. او نکات مهمی را در برنامه‌ی مشترک با واحدی در برابر ما می‌گذارد؛ او واحدی‌ها را به پرسش می‌گیرد و در برابر استدلال‌ات اخلاقی و وحشت‌زده‌ی سبزه‌ها از توهین به ساحت شیعیان و ائمه‌ی اطهارشان، وضعیت دیگر اقلیت‌های مذهبی در طول سال‌ها و قرن‌ها حکومت شیعیان را مطرح می‌کند؛ او بیان می‌کند که این ترانه شاید آینه‌ای در برابر امثال واحدی‌ها و میلیون‌ها شیعه‌مذهبی که عرف جامعه‌ی ایران با آن‌ها تعیین شده و اکنون به‌واسطه‌ی نقی به عقایدشان توهین شده، قرار دهد تا درک کنند اقلیت‌های مذهبی دیگر در این دوران چه کشیده‌اند. "به سنی‌ها به کله‌ی عمرشان توهین می‌شود، یهودی را جهود و سگ‌جهود، ارمنی‌ها را سگارمنی، هندی‌ها را گاوپرست و زرتشتی‌ها را آتشپرست و گبری و بهایی‌ها را کثافت و نجاست خوانده‌ایم!" به نظر وی، در کشوری شیعه‌مذهب که قرن‌ها به دیگر مذاهب و باورها توهین شده، این کار شاهین در واقع -خواست و ناخواست- به آن‌ها و امثال واحدی "تودهنی" زده است! شاهرخ مشکین‌قلم در انتهای صحبت خود جمله‌ای از آنتوان فرانس را بازگو کرد که: "اگر میلیون‌ها آدم هم‌صدا از یک حماقت دم بزنند، ذات آن حماقت همچنان پایدار است" و این حماقت که امروز به‌نام عرف و اخلاق دینی از آن نام برده می‌شود، اگر میلیون‌ها آدم از آن دم بزنند، همچنان حماقت است!

بنابراین، اجرای ترانه‌ی نقی توسط شاهین بخش‌هایی از اعتراضات و فریادهای مردم را نمایندگی می‌کند. این همان چیزی است که مردم از شاهین انتظار داشتند و دارند و کارهای وی را فارغ از سطح تکنیکی و حرفه‌اش جذاب می‌کند. این همان چیزی است که هزاران و بل‌که میلیون انسان زنده و باشعور را در رسانه‌های عمومی و در خیابان به حمایت از شاهین واداشته است. ده‌ها کلیپ ویدیویی در این چندروز تولید شده که با محوریت حمایت از شاهین و ترانه نقی، به شدیدترین شکل، مقدسات شیعه را و مذهب را به تمسخر گرفته‌اند. آمار روبه‌فزونی آن‌ها بیان‌گر واقعیتی است که جامعه از مذهب و دین به حدی روی‌گردان است که مبارزه با نمایندگان مذهبی حاکم را با تمسخر به سمبل‌های دینی و رسمی دنبال می‌کند. حمایت از شاهین، تبدیل به اعتراضی شده است که بررسی جنبه‌های درست و غلط آن بحث دیگری است، بحث ما برحق بودن اعتراض مردم بر علیه دین و سمبل‌های آن است.

انتظاری که ما از شاهین داریم این است که مثل برخی ترانه‌هایش باشد. جا نزنند! چندسال قبل در ترانه‌ی "آوازخوان در خون" برای فریدون فرخزاد خوانده بود: "... آخه زندگی به سبک تو پردردسره - قدم تو راهی که لحظه به لحظه خطر ... ! آری شاهین، این راه پُرخطر است و تو از ابتدا آن را می‌دانستی. این سبک خواندن و درکنار مردم بودن، پُر از خطر است و تو به-ویژه در دوره‌ی آغازین کار هنری‌ات مدافع و مبلغ این سبک بودی و برای همین محبوب شدی. برای همین محبوب بودی. برای همین وقتی در دوران انتخابات 88، با ترانه‌ی "چیز" به میدان آمدی، همه آن‌را زمزمه کرده و تکیه‌کلام بسیاری شده بود. برای همین بود که با تمسخر روحانیون، سیاست‌مداران اسلامی و بلندکردن پرچم حق زن، به چالش کشیدن خرافات و ... در بین خوانندگان مردمی نسل خودت جای گرفتی. حتی بعد از انتخابات 88 که حامی جنبش سبز و ادعاهای آن‌ها شدی و تهی‌بودن آن ایدئولوژی تو را به خواندن از توهم و هیچ و پوچ رساند، اما همچنان در میان نسل خودت مردمی بودی.

برای همین از تو انتظار داریم که وقتی تنها نیستی، وقتی در نسل خودت جا باز کرده‌ای، وقتی قلم و صدا و اعتبار بی‌چیزان، تبعیدی‌ها و زندان‌یان، جوانان و... را پشت خودت داری؛ مقاوم باشی و ابرازِ پشیمانی نکنی و با صاحبانِ قدرت از هر قماش‌ی مماشات نکنی! به موج بزرگتری نگاه کن که در پسِ حرکتِ تو به‌راه افتاده و به تضادهای دیگری نگاه کن که سر باز کرده‌اند و باز مثل قبل مسئولیتِ تو را در مبارزه به تو یادآوری می‌کند. خواستِ امروزِ همه‌ی مرتدینِ طرفدارِ کارگر، خلق، انسان و بشر، حقوقِ زن، ضداعدام و آزادی از تو همین است.

مرتدین جهان، از شاهین حمایت کنید!  
زنده باد ارتداد!

### لینک‌های جالب در همین زمینه:

- مصاحبه‌ی بی‌بی‌سی با شاهین نجفی در اینترنت به‌راحتی قابل دیدن است. لینک زیر در یوتیوب است.

<http://www.youtube.com/watch?v=IEG2hQXc4Ao>

- لینک برنامه‌ی دوشنبه‌ی "روی خط". صدای آمریکا و مصاحبه با واحدی و شاهرخ مشکین‌قلم.

<http://www.voanews.com/persian/programs/tv/60794777.html>

- لینک مصاحبه‌ی برنامه‌ی "زمینه‌ها و زمانه‌ها" از بخش فارسی رادیو فرانسه.

<http://www.persian.rfi.fr/ایران/20120513-بررسی-واکنش-ها-به-ترانه-شاهین-نجفی-از-منظر-حقوقی-جامعه‌شناختی-و-ادبی>

- لینک مقاله‌ی مهدی اصلانی: "تیهکارِ تحقیرکار اعدام باید گردد! «آی نقی!» خودت اصلاح طلب‌ها را اصلاح کن!"

[http://www.kayhanlondon.com/Pages/archive/khandaniha/article/Sale91/Aslani\\_1.html](http://www.kayhanlondon.com/Pages/archive/khandaniha/article/Sale91/Aslani_1.html)